

نقش کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخشایشگری در پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران کودکان آهسته‌گام

محمد رضا جهان*
اکبر محمدی**
مجید قدمی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخشایشگری در پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران دارای کودکان آهسته‌گام است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه مادران کودکان دختر و پسر با نارسایی هوشی شهر تهران تشکیل می‌دهند که فرزند آن‌ها در مدارس استثنایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بوده‌اند. از این تعداد، ۲۰۰ نفر از دو مدرسه استثنایی دخترانه (۱۱۰ نفر) و پسرانه (۹۰ نفر) با روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه‌های رضایتمندی زناشویی انریچ (۱۹۸۹)، مقیاس کیفیت زندگی سازمان جهانی (۱۹۹۸) پرسشنامه بخشش در خانواده پولارد، اندرسون، اندرسون و جنینگز (۱۹۹۸) و پرسشنامه سازگاری اجتماعی بل (۱۹۶۱) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد رضایت زناشویی با مؤلفه‌های بخشایشگری، کیفیت زندگی و سازش‌یافتگی رابطه مثبت معنی‌دار دارد ($p < 0/01$). همچنین بین مؤلفه‌های بخشایشگری و کیفیت زندگی و سازگاری رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد ($p < 0/01$). فقط برای بخشایشگری و رضایت زناشویی با مؤلفه سازگاری تندرستی، رابطه معنی‌داری به‌دست نیامد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد سازش‌یافتگی و بخشایشگری نقش مثبت معنی‌داری در پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران دارای کودکان آهسته‌گام دارند. این دو متغیر روی هم‌رفته ۲۷ درصد واریانس متغیر رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند ($p < 0/01$). بنا بر یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت بخشش و سازش‌یافتگی می‌تواند نقش مؤثری در افزایش رضایت زناشویی زنان داشته باشد.

واژه‌های کلیدی:

بخشایشگری، رضایت زناشویی، سازش‌یافتگی، کودکان آهسته‌گام، کیفیت زندگی.

* دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

** نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

Email: psychic2006@gmail.com

*** دانشیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، استان تهران، شهر تهران، ایران.

مقدمه

در روند زندگی، اغلب خانواده‌ها با گستره‌ای از وقایع مثبت و در برخی موارد اتفاقات چالش‌برانگیز مانند تولد کودک استثنایی مواجه می‌شوند که این شرایط بر کارکرد خانواده اثر می‌گذارد (گوپتا و کاپور، ۲۰۱۰). در میان کودکان استثنایی، کودک آهسته‌گام به دلیل پیچیدگی خاص پدیده هوش و کم‌توانی، جایگاه قابل‌ملاحظه‌ای دارد (طاهری، ارجمندنی و افروز). ماهیت چالش‌برانگیز آهسته‌گامی، بی‌تجربگی والدین، هزینه‌های اضافی، بار سنگین مسئولیت درمورد آهسته‌گامی شدید و تنش‌های زیاد والدین به‌خصوص مادران درمورد آموزش تجارب جدید و کمک به سازگاری کودکان آهسته‌گام آموزش‌پذیر، بر کیفیت زندگی مادران کودکان آهسته‌گام اثرگذار است (بابایی، افروز و ارجمندنی، ۱۳۹۶).

والدین کودکان آهسته‌گام، شرایط روان‌شناختی مساعدی ندارند و در مقایسه با والدین کودکان عادی، سطح بالایی از تنش و مشکلات سلامت روان را تجربه می‌کنند. وجود واکنش‌های موردنظر در کنار تنش‌های ناشی از فرزندپروری و مدیریت رفتارهای چالش‌انگیز کودکان کم‌توان ذهنی بر احساس همبستگی و ارتباط خانواده و در نتیجه رضایتمندی زناشویی تأثیر می‌گذارد (وین کی و جانی، ۲۰۱۴). یافته‌های پژوهشی متناقضی درمورد تأثیر کودکان آهسته‌گام بر رضایتمندی زناشویی وجود دارد (هابر، ناوارو، ومبل و مامو، ۲۰۱۰). در برخی از پژوهش‌ها داشتن کودک کم‌توان ذهنی تأثیری در کیفیت رضایتمندی زناشویی در مقایسه با والدین کودکان عادی ندارد (برای مثال هارتلی، بارکر، سیلتز، گرینبرگ و فلوید، ۲۰۱۱؛ برون و همکاران، ۲۰۲۰). درحالی‌که برخی از پژوهش‌ها نشان داده است کیفیت رضایتمندی در والدینی که کودک کم‌توان ذهنی دارند پایین‌تر است (هالاها، کافمن و پولین، ۲۰۱۸)، مانند خانواده‌های کودکان با نیازهای ویژه به‌خصوص مادران دارای کودکان کم‌توان ذهنی، با میزان بالایی از تنش، افسردگی، احساس گناه و شرم، اضطراب، خشم، مقصدانستن خود و دیگران مواجه هستند و مجموعه این عوامل، سلامت روان و رضایتمندی زناشویی و رابطه کودک با والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کرک، گالاها و کلمن، ۲۰۱۵). طبق پژوهش‌هایی که در حیطه ازدواج و رضایت زناشویی انجام شده است، متغیرهای مختلفی با روند رضایت زناشویی در طول زمان رابطه دارند (عبدالخالک، ۲۰۱۰). این متغیرها می‌توانند پیش‌بینی‌کننده شانس حفظ رضایت رابطه زناشویی در طول زمان یا رفتن به طرف آشفته‌گی زناشویی و طلاق باشند. یک

دسته از این متغیرها مربوط به سطح کیفیت زندگی، سلامت روانی و جسمانی فرد است (گوردن و بوکام، ۲۰۰۹؛ ایکاس، تایمونس، پرویت، گیلین و الساندری، ۲۰۱۵). اصطلاح کیفیت زندگی را درجه‌ای از رضایت یا نارضایتی تعریف می‌کنند که افراد در ابعاد مختلف زندگی‌شان آن را احساس می‌کنند. به شکل ساده‌تر، کیفیت زندگی تدارک شرایط لازم برای شادی و رضایت است (شاکلفورد و همکاران، ۲۰۰۷). در واقع، کیفیت زندگی مفهومی کاملاً فردی است که به‌وسیله دیگران قابل‌مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها استوار است (بیاتی، قاسم‌زاده و افروز، ۱۳۹۶). تعاریف مؤلفه‌ای، بر ماهیت چندبعدی مفهوم تأکید کرد و ابعاد مختلف کیفیت زندگی را از هم متمایز می‌کند (حسن اوهایون و همکاران، ۲۰۱۹). یلسما و مارون (۲۰۱۴) در پژوهش خود پنج بعد مربوط به کیفیت زندگی زناشویی را درمورد افرادی بررسی کردند که برای بار اول ازدواج کرده بودند. این پنج بعد عبارت بودند از: عدم توافق، رفتارهای مثبت همسر، رفتارهای منفی همسر، کیفیت کلی روابط و ارتباطات زناشویی. نتایج تحقیقات مختلف نشان داده است سطح پایین کیفیت زندگی، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری دارد. ملون و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان اثربخشی آموزش کیفیت زندگی بر رضایتمندی زناشویی در بازماندگان سرطان دریافتند که آموزش بهبود کیفیت زندگی موجب بهتر شدن مهارت فرد در ابعاد مدیریت مالی، رابطه جنسی، شیوه فرزندپروری، مساوات‌طلبی و در نتیجه افزایش رضایت زناشویی و تحکیم جهت‌گیری مذهبی منجر می‌شود. به عبارت دیگر، بهبود کیفیت زندگی از طریق افزایش رضایت از زندگی و شادمانی و ایجاد روحیه مثبت در فضای خانواده، موجب بهتر شدن عملکرد خانواده و به‌دنبال آن ایجاد رضایتمندی زناشویی می‌شود. بهبود کیفیت زندگی از طریق افزایش رضایت از زندگی و شادمانی و ایجاد روحیه مثبت در فضای خانواده، به بهتر شدن عملکرد خانواده و به‌دنبال آن ایجاد رضایتمندی زناشویی می‌انجامد (فوشتانگی، ۲۰۱۹).

یکی از ابعاد رضایت زناشویی، میزان سازش‌یافتگی^۱ است (میلینارسکی، میلینارسکی و گولبا، ۲۰۲۰). سازش‌یافتگی یکی از ابعاد اجتماعی شدن است و برخی صاحب‌نظران آن را مترادف با مهارت اجتماعی می‌دانند (اسلاموسکی و دان، ۲۰۱۱). سازش‌یافتگی را توانایی آمیزش، انطباق، مصالحه، همکاری و کنارآمدن با خود، محیط و دیگران تعریف کرده‌اند (نقدی، قاسم‌زاده و افروز، ۱۳۹۵). سازش‌یافتگی را می‌توان شامل

بین رضایت زناشویی و سه بعد بخشایشگری (شناختی، عاطفی و رفتاری) همبستگی معناداری وجود دارد و مادرانی که میزان بخشایشگری آنان در سطح بالا است، از میزان رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند. تحلیل داده‌ها همچنین نشان داد حدود ۵۳ درصد واریانس رضایت زناشویی به وسیله ابعاد سه‌گانه بخشایشگری تبیین می‌شود.

با توجه به شیوع بالای مشکلات سلامت روان و تعارضات زناشویی در مادران کودک آهسته‌گام، بهره‌مندی این افراد از کیفیت زندگی مطلوب، امری ضروری است. بررسی پیشینه تحقیقات انجام‌شده در زمینه رضایت زناشویی نشان می‌دهد بخشایشگری نقش مهمی در حوزه سلامت روان، تعاملات زناشویی و رضایت زناشویی ایفا می‌کند (برای مثال اولانتیکالکروس و وانستینوگان، ۲۰۱۶؛ وو و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اهمیت بخشایشگری و مفیدبودن آن در حوزه سلامت روان و تعاملات بین‌فردی، شیوع مشکلات سلامت روان و کمبود رضایتمندی زناشویی در مادران کودکان کم‌توان ذهنی، نیاز این گروه از افراد به بهره‌مندی از کیفیت زندگی مطلوب و با توجه به اینکه مادر نقش مهمی در سلامت روانی اعضای خانواده دارد، پرداختن به وضعیت مادران دارای اهمیت زیادی است (معمودی، غباری بناب و ابرغم، ۱۳۹۵). همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند برای والدین و کسانی که با کار می‌کنند، مفید باشد. با توجه به پیشینه پژوهشی می‌توان دریافت که مطالعات مختلفی درمورد ارتباط کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخشایشگری و رضایت زناشویی به‌طور جداگانه انجام شده، ولی پژوهش‌های اندکی به پیش‌بینی نقش کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخشایشگری در پیش‌بینی رضایت زناشویی در مادران دارای کودکان آهسته‌گام اختصاص یافته است که بیانگر اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر و خلأ پژوهشی در این حوزه است. پژوهش حاضر به بررسی نقش کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخشایشگری در پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران دارای کودکان آهسته‌گام می‌پردازد.

روش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه مادران کودکان دختر و پسر با نارسایی هوشی شهر تهران که فرزند آن‌ها در مدارس استثنایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌دهند. تعداد ۲۰۰ نفر از مادران دانش‌آموزان دو مدرسه استثنایی دخترانه (۱۱۰ نفر) و پسرانه (۹۰ نفر) مقطع ابتدایی شهر تهران به‌صورت

سلامت روانی خوب، رضایت از زندگی شخصی و هماهنگی میان احساسات، فعالیت‌ها و افکار دانست (گارمزی، ۲۰۱۱). در روابط زناشویی زوجین سازش‌یافته، زن و شوهر توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی هستند. نف و برودی (۲۰۱۱) دریافتند زوجین به سازش‌یافتگی در برابر حوادث استرس‌زای منفی اما کنترل‌پذیر زندگی نیاز دارند تا به خوبی از رضایت زناشویی خود حفاظت کنند. عدم سازش‌یافتگی نه‌فقط بر کنش‌های روانی اجتماعی زن و شوهر، بلکه بر رشد و تحول فرزندان آهسته‌گام نیز آثار سوء به‌جای می‌گذارد. در پژوهش دوین، هالبین، فای هوگیوس، آمارو و هولمبک (۲۰۱۱) مشخص شد مادران دارای فرزند با کم‌توانی ذهنی، در مقایسه با مادران دارای فرزند عادی، از نظر سازش‌یافتگی اجتماعی، به‌طور معناداری در سطح پایین‌تری قرار دارند و همین مسئله، عملکرد اجتماعی مادران را دچار اختلال می‌کند که خود می‌تواند میزان رضایتمندی زناشویی را در زوجین کاهش دهد. سازش‌یافتگی می‌تواند کارکردهای روانی اعضای خانواده را در قالب تفکر، خلق و رفتار بهبود بخشد و توان مقابله با مشکلات هیجانی و روان‌شناختی را افزایش دهد و از این طریق موجب ارتقای رضایت زناشویی در زوجین شود.

یکی دیگر از عوامل مهم و قابل‌توجه در رضایت زناشویی به‌خصوص در خانواده‌های دارای کودکان آهسته‌گام، مفهوم بخشایش‌گری^۱ است (فهم دانش، نافرستی و توکل، ۲۰۲۰؛ ورثینگتون، وایت ولیت، پیتربینی و میلر، ۲۰۱۷). ویلیمز و لاونر (۲۰۲۰) بخشایشگری را به‌عنوان رهایی عمده از رنج ناشی از بی‌عدالتی قابل‌ملاحظه فرد خاطی و پاسخ خیرخواهانه به وی دانسته‌اند؛ اگرچه فرد خاطی مستحق بخشوده‌شدن نباشد. در این دیدگاه، بخشایشگری اقدام و انتخابی آزادانه از سوی شخص رنجیده‌خاطر است. در نتیجه این فرایند، هیجان‌های منفی فرد کاهش می‌یابد و انگیزه وی برای فعالیت‌های تلافی‌جویانه از بین می‌رود (ایکسلاین، بامیستر، مکلاف، پارگامنت و توریسن، ۲۰۱۸). شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بخشایشگری با کاهش هیجان‌های منفی، سبب بهبود روابط بین فردی و سلامت جسمانی و ارتقای سلامت روان، کاهش پرخاشگری، کاهش علائم افسردگی، حل تعارضات زوجین و ارتقای رضایتمندی زناشویی منجر می‌شود (تویسن و وب، ۲۰۱۵؛ نعمتی، میرنسب و غباری، ۲۰۱۶). نعمتی، افروز، غباری بناب، شکوهی یکتا و به‌پژوه (۱۳۹۵) در پژوهشی که با هدف پیش‌بینی بخشایشگری از میزان رضایت زناشویی مادران کودکان نارسایی‌های رشدی و هوشی آنجا گرفتند، دریافتند که

نجات و همکاران (۱۳۸۵) روایی محتوایی و تشخیصی این پرسشنامه را مطلوب گزارش کرده‌اند؛ یعنی ضریب آلفای پرسشنامه را برای جمعیت سالم در حیطه سلامت جسمانی، سلامت روانی، ارتباطات و روابط اجتماعی به دست آورده‌اند. در نهایت نیز ضریب پایایی روش بازآزمایی را پس از دو هفته ۰/۷ گزارش کرده‌اند. نصیری (۱۳۸۷) ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۴ به دست آورد. میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش فتحی آشتیانی (۱۳۸۸) با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ برآورد شد. روایی آزمون با استفاده از روش همبسته کردن نمره‌های آزمون ۰/۷۵ محاسبه شد.

۳. پرسشنامه سازش‌یافتگی اجتماعی: این پرسشنامه در سال ۱۹۶۱ به وسیله بل تدوین شده است. بل در زمینه سازش‌یافتگی دو پرسشنامه طراحی کرده است که یکی مربوط به دانش‌آموزان و دانشجویان و دیگری مربوط به بزرگسالان است. پرسشنامه سازش‌یافتگی اجتماعی بل دارای ۱۲۸ گویه و ۴ خرده‌مقیاس (سازش‌یافتگی در خانه، سازش‌یافتگی تندرستی، سازش‌یافتگی عاطفی و سازش‌یافتگی اجتماعی) است. هر خرده‌مقیاس ۳۲ پرسش را به خود اختصاص داده است. پاسخگویی به سؤالات به صورت بله، خیر و نمی‌دانم است. نمره‌گذاری هر سؤال طبق جدول هنجار شده صورت می‌گیرد. در این آزمون فقط با پاسخ بله یا خیر امتیاز داده می‌شود. به گزینه‌های انتخابی، عدد صفر یا ۱ تعلق می‌گیرد. دامنه نمرات به دست آمده بین صفر تا ۱۲۸ است. نمره سازش‌یافتگی فرد برابر با مجموع امتیازهایی است که از تمام سؤالات پرسشنامه به دست آمده است. در پژوهش حاضر، از خرده‌مقیاس پانزده‌سؤالی سازش‌یافتگی اجتماعی استفاده شد که بل (۱۹۶۲) ضریب اعتبار را برای خرده‌مقیاس‌های آن (سازش‌یافتگی در خانه، سازش‌یافتگی تندرستی، سازش‌یافتگی اجتماعی، سازش‌یافتگی عاطفی، سازش‌یافتگی شغلی و برای کل آزمون) به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۸، ۰/۹۱، ۰/۸۵ و ۰/۹۴ گزارش کرده است. همچنین این آزمون روایی بالایی در تشخیص گروه‌های بهنجار از نوروتیک و همبستگی با آزمون‌های شخصیت آیسنگ نشان داده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). این پرسشنامه بعد از ترجمه و ویرایش، روی ۲۰۰ نفر به صورت تصادفی اجرا و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و ضریب آلفای آن ۰/۸۹ به دست آمد. روایی به روش تحلیل عاملی ۰/۶۸ به دست آمد (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۲).

۴. پرسشنامه بخشش در خانواده: پرسشنامه بخشش در خانواده به وسیله پولارد، اندرسون، اندرسون و جینگز (۱۹۹۸) تهیه و سیف و بهاری (۱۳۸۲) آن را ترجمه کردند. این مقیاس

نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود اصلی برای انتخاب این مادران داشتن فرزند آهسته‌گام داوطلب‌بودن آنان برای شرکت در پژوهش، داشتن تحصیلات دیپلم و بالاتر و دامنه سنی بین ۲۰ تا ۴۵ سال بود. به تمام مادران شرکت‌کننده، هدف پژوهش به اختصار توضیح داده شد و بی‌نام‌نشان ماندن آنان تضمین شد. پس از بیان مسائل اخلاقی و اطمینان خاطر، مادران به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیری انجام گرفت.

ابزار سنجش

۱. پرسشنامه رضایتمندی زناشویی انریچ: ابزاری است که به وسیله اولسون (۱۹۸۹) تدوین شده است. این ابزار مقیاسی ۳۵ ماده‌ای از نوع لیکرت پنج‌درجه‌ای (۱=کاملاً مخالفم، ۵=کاملاً موافقم) و متشکل از چهار مؤلفه رضایت زناشویی، ارتباطات، حل تعارض و تحریف آرمانی است. نمره کل، از جمع نمرات هر سؤال به دست می‌آید. در پایان، مجموع کل نمره‌های این پرسشنامه به صورت ۳۵ تا ۱۴۰ در نظر گرفته می‌شود. این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات متعددی برای رضایت زناشویی استفاده شده است (اولسون به نقل از پور صالحی، ۱۳۸۵). اعتبار آزمون برای ارزیابی همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای خرده‌مقیاس‌های رضایت زناشویی، ارتباطات، حل تعارض و تحریف آرمانی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۳ و اعتبار بازآزمایی پرسشنامه برای هریک از خرده‌مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۹۰، ۰/۹۲ گزارش شده است (اولسون و اولسون، ۲۰۰۰). در ایران ضریب همبستگی درونی هریک از خرده‌مقیاس‌های رضایت زناشویی، ارتباطات، حل تعارض و تحریف آرمانی به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۸، ۰/۶۲ و ۰/۷۸ گزارش شده است (آسوده و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین رضوان فرقانی (۱۳۸۲) پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۶ ذکر کرده است. در این تحقیق نیز پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد.

۲. مقیاس کیفیت زندگی: مقیاس فرم کوتاه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۸ تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۲۶ سؤال است که چهار حیطه سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیطی را می‌سنجد. پاسخ به سؤالات به صورت طیف لیکرت و به صورت پنج‌گزینه‌ای است. در پایان، مجموع کل نمره‌های این پرسشنامه به صورت ۰ تا ۱۰۰ در نظر گرفته می‌شود که برحسب امتیازهای کسب‌شده، کیفیت زندگی افراد در یکی از سه گروه (نامطلوب، متوسط و مطلوب) قرار می‌گیرد. این پرسشنامه در ایران به وسیله نجات و همکاران (۱۳۸۵) استاندارد شده است.

به مدارس، از والدین منتخب خواسته شد تا رضایت‌نامه شرکت آگاهانه در پژوهش را تکمیل کنند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. قبل از تکمیل کردن پرسشنامه‌ها، اصل رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات شخصی و تحلیل داده‌ها به صورت کلی برای آن‌ها بیان و در نهایت پرسشنامه‌ها بدون ذکر نام و نام خانوادگی به وسیله آنان تکمیل شد.

یافته‌ها

میانگین سن مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی ۳۶ سال و میانگین سن مادران دانش‌آموزان عادی ۳۸ سال است. ۹۴ نفر از مادران شرکت‌کننده در پژوهش دارای یک فرزند، ۷۹ نفر دارای ۲ فرزند و ۲۷ نفر دارای بیش از دو فرزند هستند. ۳۲ نفر از مادران شرکت‌کننده در پژوهش شاغل و ۱۶۸ نفر خانه‌دارند. ۳ نفر از مادران بی‌سواد، ۲۱ نفر دارای تحصیلات ابتدایی، ۳۹ نفر دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان، ۹۸ نفر دارای تحصیلات دیپلم، ۲۹ نفر دارای تحصیلات لیسانس و ۱۰ نفر دارای تحصیلات فوق‌لیسانس هستند.

در جدول ۱ توصیف آماری نمرات مربوط به متغیرهای رضایت زناشویی، کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخشایشگری مادران، شامل چولگی و کشیدگی به همراه شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد نمرات ارائه شده است. با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌ها بین +۲ و -۲ است، داده‌ها در سطح ۰/۰۵ از توزیع بهنجار برخوردارند.

متشکل از ۴۰ ماده است و از دو مؤلفه روابط خانواده اصلی و روابط زناشویی فعلی تشکیل شده است. ۲۰ ماده اول آن به روابط خانواده اصلی و ۲۰ ماده دیگر به روابط زناشویی فعلی مربوط است. نمره‌گذاری مقیاس مذکور، روی یک مقیاس لیکرتی پنج‌درجه‌ای، از ۱=هرگز تا ۵=تقریباً همیشه صورت می‌گیرد. نمره کل از جمع نمرات هر سؤال به دست می‌آید. دامنه نمرات به دست آمده بین ۴۰ تا ۱۲۰ است. کسب نمره بالا در این آزمون نشان‌دهنده میزان بخشش زیاد است. دامنه تحقیقات پولارد، اندرسون، اندرسون و جنینگز (۱۹۹۸) نشان داد همبستگی منفی و معنادار ۰/۴۳ بین مقیاس افسردگی بک و پرسشنامه بخشش در خانواده وجود دارد. همبستگی منفی معنادار بین این آزمون و مقیاس اضطراب اشیلبلرگر نیز به دست آمده است. ضریب آلفای کرونباخ که نشان‌دهنده همسانی درونی سؤالات آزمون بود، ۰/۹۷ برآورد شد. در ایران، سیف و بهاری (۱۳۸۰) این پرسشنامه را هنجاریابی کرده‌اند. روایی این ابزار با استفاده از تحلیل گویه محاسبه شد و نتایج، بیانگر روایی بسیار خوب این پرسشنامه بود. پایایی این ابزار نیز با استفاده از آلفای کرونباخ برای هریک از خرده‌مقیاس‌های روابط خانواده اصلی و روابط زناشویی فعلی به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۸ است.

شیوه اجرای پژوهش

پس از دریافت مجوزهای اخلاقی و پژوهشی از دانشگاه آزاد اسلامی و هماهنگی لازم با مدیریت آموزش و پرورش و مدارس، اجازه پژوهش و همکاری با پژوهشگر گرفته شد. پس از مراجعه

جدول ۱. اندازه‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد رضایت زناشویی،

کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخشایشگری در مادران

متغیر	چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد
رضایت زناشویی	۷۷۶/۰	۷۲۲/۰	۳۵/۲۳	۶۰/۲
	۱۱۶/۰	۶۵۰/۰	۳۰/۱۹	۷۹/۲
	۴۳۰/۰	۰۴۴/۱	۴۴/۲۲	۳۳/۲
	۵۳۷/۰	۲۳/۱	۴۷/۲۱	۲۶/۵
	۳۴۷/۰	۶۱۴/۰	۳۹/۹۸	۶۹/۹
کیفیت زندگی	-۰.۴۲۷	۰.۵۷	۱۱/۸۳	۳/۲۴
	۰/۶۲	۰/۹۸	۱۴/۲۳	۱/۷۱
	-۰/۳۳	۱/۶۶	۱۳/۲۱	۲/۳۰
	۲۸/۰-	۷۶۳/۰	۷۸/۱۳	۷۹/۲
	۴۷/۰	۲۴/۰	۳۰/۶۹	۵۸/۷
سازش‌یافتگی	-۰/۳۴	۰/۱۵	۱۷/۱۹	۱/۸۳
	۱/۲۲	۰/۸۰	۲۲/۹۷	۸/۷۶
	-۰/۵۳	۱/۸۲	۱۸/۶۴	۷/۱۸
	۵۱/۰	۹۳/۰	۵۹/۲۱	۹۰/۶
	۶۶/۰	۳۸/۰	۲۰/۷۳	۱۸/۶
بخشایشگری	۹۲/۰	۹۱/۰	۹۰/۵۱	۴۱/۵
	۷۱/۰	۲۰/۱	۹۱/۴۹	۴۵/۶

۴۷/۹	۱۰۱/۸۱	۱۲/۱	۹۴/۰	بخش‌ایشگری
------	--------	------	------	------------

یعنی سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیطی نشانه رابطه مثبت و معنی‌دار است ($p < 0/01$). همبستگی بین رضایت زناشویی با سازگاری اجتماعی، سازگاری در خانه و سازگاری عاطفی مثبت و معنی‌دار است ($p < 0/01$)، اما بین رضایت زناشویی با سازگاری تندرستی رابطه معنی‌داری به‌دست نیامد ($p < 0/01$). بخش‌ایشگری با سازگاری اجتماعی، سازگاری در خانه و سازگاری عاطفی رابطه مثبت و معنی‌دار دارد ($p < 0/01$)، اما بین بخش‌ایشگری با سازگاری تندرستی رابطه معنی‌داری به‌دست نیامد ($p < 0/01$).

پیش از انجام آزمون فرضیه‌ها، آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها انجام گرفت. بدین منظور از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۱ برای تشخیص نوع توزیع داده‌ها استفاده شد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد سطح معناداری آماره محاسبه‌شده برای تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرض، نرمال بودن توزیع نمرات پذیرفته می‌شود. در جدول ۲ نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. براساس نتایج، همبستگی بین رضایت زناشویی با بخش‌ایشگری و مؤلفه‌های روابط خانواده اصلی و روابط زناشویی فعلی مثبت و معنی‌دار است ($p < 0/01$). مطابق یافته‌ها، ضرایب همبستگی بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های کیفیت زندگی

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	
رضایت زناشویی																		
ارتباطات	۰/۴۳**																	
حل تعارض	۰/۴۱**	۰/۲۸**																
تخریف ارمانی	۰/۵۳**	۰/۱۳*	۰/۴۹**															
رضایت زناشویی	۰/۷۳**	۰/۴۲**	۰/۷۱**	۰/۶۱**														
سلامت جسمانی	۰/۲۹**	۰/۲۵**	۰/۱۵**	۰/۲۳**	۰/۲۱**													
سلامت روانی	۰/۵۶**	۰/۲۰**	۰/۵۷**	۰/۵۵**	۰/۳۴**	۱												
روابط اجتماعی	۰/۴۱**	۰/۱۵**	۰/۴۶**	۰/۴۲**	۰/۳۸**	۰/۲۸**	۱											
سلامت محیطی	۰/۲۱**	۰/۱۳*	۰/۱۷**	۰/۲۵**	۰/۲۹**	۰/۱۴*	۰/۱۱	۱										
کیفیت زندگی	۰/۲۱**	۰/۱۳*	۰/۱۷**	۰/۲۵**	۰/۲۹**	۰/۱۴*	۰/۱۰	۰/۲۳**	۱									
سازگاری اجتماعی	۰/۲۴**	۰/۲۲**	۰/۱۷**	۰/۲۱**	۰/۱۵**	۰/۱۹**	۰/۱۲**	۰/۲۷**	۰/۲۹**	۱								
سازگاری تندرستی	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۲۱**	۰/۱۱**	۰/۲۲**	۰/۱۴**	۰/۲۴**	۰/۱۳*	۰/۳۶**	۰/۳۶**	۱							
سازگاری در خانه	۰/۲۸**	۰/۱۵**	۰/۱۸**	۰/۲۹**	۰/۱۸**	۰/۵۱**	۰/۰۶	۰/۲۱**	۰/۱۴**	۰/۱۸**	۰/۲۱**	۱						
سازگاری عاطفی	۰/۳۲**	۰/۴۲**	۰/۳۱**	۰/۲۷**	۰/۴۴**	۰/۰۹	۰/۱۷**	۰/۱۱**	۰/۱۹**	۰/۱۵**	۰/۲۲**	۰/۱۴**	۱					
سازگاری روابط خانواده اصلی	۰/۲۱**	۰/۱۱*	۰/۲۴**	۰/۱۳**	۰/۲۳**	۰/۲۵**	۰/۲۷**	۰/۳۶**	۰/۵۸**	۰/۱۸**	۰/۲۹**	۰/۲۰**	۰/۲۱**	۱				
روابط زناشویی فعلی	۰/۲۴**	۰/۲۲**	۰/۱۷**	۰/۲۱**	۰/۲۳**	۰/۱۶**	۰/۱۵**	۰/۱۲**	۰/۲۷**	۰/۲۹**	۰/۲۷**	۰/۲۱**	۰/۲۱**	۰/۲۴**	۱			
روابط زناشویی فعلی	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۲۱**	۰/۱۱**	۰/۲۲**	۰/۱۴**	۰/۲۴**	۰/۱۳**	۰/۲۳**	۰/۱۷**	۰/۲۳**	۰/۲۵**	۰/۲۷**	۰/۱۴**	۰/۲۴**	۱		
بخش‌ایشگری	۰/۲۸**	۰/۱۵**	۰/۵۸**	۰/۱۸**	۰/۲۹**	۰/۵۱**	۰/۰۶	۰/۲۱**	۰/۱۴**	۰/۱۸**	۰/۲۲**	۰/۱۴**	۰/۲۲**	۰/۱۴**	۰/۲۲**	۰/۲۴**	۱	

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵، ** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

به‌منظور تعیین سهم هریک از کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخش‌ایشگری در پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران در پیش‌بینی رضایت زناشویی، از تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شد، اما پیش از استفاده از تحلیل رگرسیون، پیش‌فرض‌های استفاده از آن آزمون شد. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون دوربین واتسن برای بررسی

استقلال خطاها، آزمون هم‌خطی با دو شاخص ضریب تحمل و عامل تورم واریانس انجام گرفت. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیرهای پژوهش معنی‌دار نیست. بدین ترتیب فرض صفر مبنی بر نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌شود و متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال هستند. آماره Z آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیرهای

1. Kolmogorov-Smirnov Test

۰/۶۵ و ۰/۷۲ به‌دست آمد. همچنین عامل برافراشتگی واریانس^۱ اگر کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده نبود هم‌خطی چندگانه در متغیرها است. در پژوهش حاضر، برای متغیرهای بخشایشگری، سازش‌یافتگی و کیفیت زندگی به ترتیب ۱/۰۸، ۱/۵۲ و ۱/۷۳ به‌دست آمد که برای تمامی متغیرهای پیش‌بین نشانگر نبود چندهم‌خطی است.

مقدار آزمون دوربین واتسون نیز ۱/۷۲ است. در این آزمون مقادیر نزدیک به ۲ نشان‌دهنده نبود همبستگی بین باقی‌مانده‌ها است؛ بنابراین می‌توان گفت بین پسامدهای مدل رگرسیونی همبستگی وجود ندارد و مفروضه استقلال پس‌مانده‌ها تأیید می‌شود. درنهایت می‌توان گفت در تحقیق حاضر، بین متغیرهای پیش‌بین هم‌خطی چندگانه وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری هم‌زمان در تعیین سهم متغیرهای پیش‌بین رضایت زناشویی

گام	متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	F	Sig F	B	SEB	β	t	p	آماره‌های هم‌خطی تحمل VIF
		۰/۵۲۲	۰/۲۷	۶/۵	۰/۰۰۱						
۱	بخشایشگری			۲/۱۸	۰/۵۹	۰/۲۲	۳/۷۰	۰/۰۰۱	۰/۹۲	۱/۰۸	
۲	سازش‌یافتگی			۱/۶۷	۰/۶۱	۰/۱۶	۲/۷۵	۰/۰۰۶	۰/۶۵	۱/۵۲	
۳	کیفیت زندگی			۰/۲۱۳	۰/۶۳۹	۰/۱۲	۰/۹۲۳	۰/۰۹۸	۰/۷۲	۱/۷۳	

بازماندگان سرطان منطبق است. در تفسیر این یافته می‌توان گفت داشتن کیفیت زندگی در مادران دارای کودک ناتوان می‌تواند برای ایجاد روابط نسبتاً شاد و حمایت‌آمیز و نزدیکی بین اعضای خانواده سرمایه روانی قلمداد شود و برانگیزاننده حمایت‌های عاطفی دوستان و خانواده باشد. مطالعات نشان می‌دهد زندگی با توجه به خود و توانایی‌های خود، موجب اتخاذ رویکردی در فرد می‌شود که طی آن در پی یافتن مزایایی از هر موقعیت و برخورد موفقیت‌آمیز با آن موقعیت و چه بسا در شرایط استرس و آسیب‌زا، برخورداری از این ویژگی اهمیتی ویژه پیدا می‌کند. افرادی که نمرات بالایی در این ویژگی کسب می‌کنند، افسردگی کمتر، رضایت زناشویی بالاتر و بهزیستی بیشتری دارند (هلگسن، رینولدز و تامیچ، ۲۰۰۶). این افراد با چالش‌برانگیز درک کردن موقعیت استرس‌زا و اتخاذ رویکردهای حل مسئله، شایستگی خود را در مقابله با شرایط بحرانی، بالا ارزیابی می‌کنند و بدین‌وسیله توانایی خود را برای موقعیت‌های چالش‌برانگیز افزایش می‌دهند. حسن اوهایون و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند خوش‌بینی قادر است رضایت افراد از رابطه رمانتیک بین زوجین را طی یک دوره دوساله پیش‌بینی کند. افراد خوش‌بین، در حل مسائل و مشکلات خود در زندگی زناشویی موفق‌تر عمل می‌کنند. آن‌ها سعی می‌کنند تا در

جدول ۳ گویای این موضوع است که ۲۷ درصد کل واریانس رضایت زناشویی از طریق بخشایشگری و سازش‌یافتگی مادران تبیین می‌شود. نتایج تحلیل واریانس، نشانگر معنی‌دار بودن مدل رگرسیون است ($F=6/5$; $P>0/01$). نتایج ضرایب رگرسیون نیز نشان می‌دهد بخشایشگری ($\beta=0/22$) و سازش‌یافتگی ($\beta=0/16$) به صورت مثبت می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، متغیر کیفیت زندگی نقش معنی‌داری در پیش‌بینی رضایت زناشویی ندارد ($\beta=0/12$; $P>0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش کیفیت زندگی، سازش‌یافتگی و بخشایشگری، در پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران دارای کودکان آهسته‌گام انجام شد. براساس نتایج، بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های کیفیت زندگی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های یلسما و مارون (۲۰۱۴) مبنی بر ارتباط کیفیت زندگی زناشویی با رضایت زناشویی، یلسما و مارون (۲۰۱۴) در خصوص ابعاد کیفیت زندگی زناشویی و ملون و همکاران (۲۰۱۶) درباره اثربخشی آموزش کیفیت زندگی بر رضایتمندی زناشویی در

نتایج آزمون همبستگی نشان داد بین رضایت زناشویی و مؤلفه‌های بخشایشگری رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیقات متعددی سازگار است؛ از جمله با نتایج نعمتی، افروز، غباری بناب، شکوهی یکتا و به‌پژوه (۱۳۹۵) مبنی بر اینکه میزان رضایت زناشویی مادران کودکان نارسایی‌های رشدی و هوشی در پیش‌بینی بخشایشگری معنی‌دار است، ورثینگتون، وایت ولایت، پیتربینی و میلر (۲۰۱۰) درخصوص نقش رضایت زناشویی در پیش‌بینی رضایت زناشویی در کودکان آهسته‌گام، و نعمتی، میرنسب و غباری (۲۰۱۶) درخصوص اینکه بخشایشگری با کاهش هیجان‌های منفی منطبق است که سبب حل تعارضات زوجین و ارتقای رضایت‌مندی زناشویی می‌شود. بخشایشگری با کاهش هیجان‌های منفی بین افراد سبب بهبود روابط بین‌فردی و سلامت فیزیکی و ارتقای سلامت روانی می‌شود. از سوی بخشایشگری موجب کاهش پرخاشگری، کاهش علائم افسردگی، ارتقای رضایت زناشویی و حل تعارضات بین زوجین می‌شود (تویسنت و وب، ۲۰۱۵). افرادی که از بخشایشگری بالایی برخوردارند، از عوارض طولانی‌مدت رنجش، کینه و غضب مصون هستند که ناشی از مسائل پیش‌آمده در زندگی زناشویی است. از سوی دیگر، این افراد بهتر می‌توانند راهبردهایی را به کار گیرند که موجب سازگاری و بهبود روابط با همسر است و از روش‌های نامطلوب تخلیه هیجانی مانند انتقام‌جویی، بدگویی، افترا و حسد فاصله بیشتری دارند که همگی عامل به‌هم‌خوردن ارتباط است. مک‌لاف (۲۰۱۰) معتقد است بخشش به فرد کمک می‌کند تا روابط مثبت و حمایت‌کننده‌ای ایجاد کند. زوج‌های جوان نیز همسو با این دیدگاه گزارش می‌کنند که داشتن ظرفیت بخشش در شخصی که خطا در حق او صورت گرفته امکان می‌دهد تا از طریق هیجان‌های منفی که رابطه را مختل می‌کند و رشد بازنمایی‌های شناختی مثبت از همسر، او را تشویق کند. مادرانی که در رابطه زناشویی گذشت و بخشش دارند، معمولاً دارای نگاه خوش‌بینانه‌تری به آینده رابطه زناشویی هستند. معمولاً این افراد نگرش مثبت‌تری به توانایی خود دارند و بر این باورند که می‌توانند چالش‌ها، استرس و مشکلات زندگی زناشویی را پشت سر بگذارند. این باور، خود به شکل‌گیری قدرت سازش‌یافتگی و انطباق بالاتر با شرایط موجود در آن‌ها منجر می‌شود (تویسنت و وب، ۲۰۱۵).

کنترل‌نکردن متغیرهایی نظیر سن و وضعیت اقتصادی اجتماعی از جمله محدودیت‌هایی است که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی برطرف شود تا نتایج اطمینان‌بخش‌تری حاصل شود. یافته‌های این تحقیق و تحقیقات گذشته، لزوم

رویدادها و پیش‌بیندهای منفی، معنی مثبت را دریابند. در مقابل مسائل و مشکلات، حالت انفعالی به خود نمی‌گیرند و نسبت به یکدیگر نگرش مثبت بیشتری دارند. درعین‌حال، مادرانی که کیفیت زندگی بالایی نسبت به توانایی‌های خود دارند، بر این باورند که می‌توانند بر مسائل و مشکلات زندگی مشترک فائق آیند و زندگی را چالشی برای تحقق اهداف خود می‌دانند. از این‌رو، این دیدگاه و این نگرش به این مسئله سبب می‌شود افراد با کیفیت زندگی بالا، احساس رضایت زناشویی بیشتری را تجربه کنند. کیفیت زندگی، به‌صورت مستقیم از طریق بهبود روابط بین‌فردی و تعاملات بین همسران و به‌صورت غیرمستقیم، از طریق احساس مثبت و خوب‌داشتن به خود، این اثر را ایجاد کرده است.

یافته‌های آزمون همبستگی نشان داد بین رضایت زناشویی و مؤلفه‌های سازش‌یافتگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یافته‌ها با نتایج تحقیقات گارمزی (۲۰۱۱) مبنی بر ارتباط بین انعطاف‌پذیری و سازش‌پذیری با رضایت زناشویی، نف و برودی (۲۰۱۱) مبنی بر ارتباط رضایت زناشویی با انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری، دوین، هالین، فای هوگیوس، آمارو و هولمیک (۲۰۱۱) مبنی بر ارتباط سازگاری فردی و کارکرد خانواده همسو و هماهنگ است. سازش‌یافتگی به ویژگی شخصیتی اشاره دارد که منعکس‌کننده کاردانی شخص به‌طورکلی و انعطاف‌پذیری عملکرد در پاسخ به شرایط محیطی مختلف است. این سازه اغلب در رابطه نزدیک با خودتنظیمی در نظر گرفته می‌شود و نشان‌دهنده توانایی انعطاف‌پذیر فرد در تنظیم سطوح کنترل در شرایط متفاوت و از این‌رو، مقابله مؤثر و کارآمد در برخورد با عوامل فشارزا و چالش‌ها است. لازمه جو عاطفی مناسب و سازش‌پذیری و انسجام در هر خانواده از جمله خانواده‌هایی که دارای کودک کم‌توان هستند، وجود ارتباط و تعامل مؤثر بین اعضای خانواده از جمله بین والدین به‌خصوص مادر و کودک است.

سازش‌یافتگی، قابلیت فردی در برقراری تعادل زیستی روانی و معنوی در مقابل شرایط مخاطره‌آمیز و نوعی ترمیم خود است که با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی همراه است. این سازه اغلب در رابطه نزدیک با خودتنظیمی در نظر گرفته می‌شود و نشان‌دهنده توانایی و انعطاف‌پذیری فرد در تنظیم سطوح کنترل در شرایط متفاوت و از این‌رو مقابله مؤثر و کارآمد در برخورد با عوامل فشارزا و چالش‌ها است. لازمه جو عاطفی مناسب و سازش‌پذیری و انسجام در هر خانواده از جمله خانواده‌هایی که دارای کودک کم‌توان هستند، وجود ارتباط و تعامل مؤثر بین اعضای خانواده از جمله بین والدین به‌خصوص مادر و کودک است (مک‌کوبین، ۲۰۱۶).

romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 93, 285-297.

Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2010). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, 62(4), 964-980.

Brown, M., Whiting, J., Kahumoku-Fessler, E., Witting, A. B., & Jensen, J. (2020). A dyadic model of stress, coping, and marital satisfaction among parents of children with autism. *Family Relations*, 69(1), 138-150.

Carver, C. S., Scheier, M. F., & Segerstrom, S. C. (2010). Optimism. *Clinical Psychology Review*, 30, 879-889.

Devine, K. A., Holbein, C. E., Psihogios, A. M., Amaro, C. M., & Holmbeck, G. N. (2011). Individual adjustment, parental functioning and perceived social support in Hispanic and non-Hispanic white mothers and fathers of children with Spina Bifida. *Journal of Pediatric Psychology*, 8, 1-10.

Ekas, N. V., Timmons, L., Pruitt, M., Ghilain, C., & Alessandri, M. (2015). The power of positivity: Predictors of relationship satisfaction for parents of children with autism spectrum disorder. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 45(7), 1997-2007.

Enright, R. D., & Human Development Study Group. (1991). The moral development of forgiveness. In W. Kurtine & J. Gewirtz (Eds.), *Handbook of Moral Behavior and Development*, (pp. 123-152). Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Enright, R. D., Santos, M. J., & Al-Mabuk, R. (1989). The adolescent as forgiver. *Journal of Adolescence*, 12(1), 95-110

Exline, J. J., Baumeister, R. F., McCullough, M. E., Pargament, K. I., & Thoresen, C. E. (2018). Expressing forgiveness and repentance. *Theory, research, and practice*, 133-155.

Fahimdanesh, F., Noforesti, A., & Tavakol, K. (2020). Self-compassion and forgiveness: major predictors of marital satisfaction in young couples. *The American Journal of Family Therapy*, 48(3), 221-234.

Foshtanqi, K. (2019). The role of emotional intelligence and marital satisfaction in life quality of women: a structural equation modeling. *Journal of Fundamentals of Mental Health*.

Hallahan, D. P., Kauffman, J. M., & Pullen, P. C. (2018). *Exceptional Learners*. Pearson/Allyn

آموزش در جهت کاربرد بیشتر روش‌های آموزشی یا درمانی افزایش‌دهنده رضایتمندی زناشویی و بخشایشگری مادران کودکان آهسته‌گام را تأیید می‌کند. اگرچه ویژگی‌های بخشایشگری رضایت زناشویی را در بین مادران کودکان دارای نیازهای ویژه پیش‌بینی می‌کند، سهم عواملی مانند ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها، باورهای مذهبی، منبع کنترل و عواملی که به نوعی می‌توانند در فرایند بخشایشگری افراد مؤثر باشند، در پژوهش حاضر تعیین نشده که نیازمند پژوهش آتی در این زمینه است تا از این طریق بتوان سایر عوامل مؤثر در رضایت زناشویی را نیز مدنظر قرار داد.

منابع

بابایی، ن، افروز، غ. ع، و ارجمندنی، ع. ا. (۱۳۹۶). تدوین برنامه ارتقای کیفیت زندگی و بررسی تأثیر آن بر کیفیت زندگی مادران و سازش‌یافتگی اجتماعی دختران آهسته‌گام با نشانگان داون. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۸(۱)، ۲۵-۳۳.

بیاتی، ب، قاسم‌زاده، س، و افروز، س. (۱۳۹۶). اثربخشی ارتقای کیفیت زندگی بر رضامندی زوجیت والدین دارای کودک مبتلا به دیابت نوع یک و میزان هم‌گلوبین گلیکوزیله کودک. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۸(۳)، ۶-۱۶.

زهراراکار، ک، و جعفری، ف. (۱۳۹۳). مشاوره خانواده مفاهیم، تاریخچه، فرایند و نظریه‌ها، چاپ چهارم. تهران: ارسباران.

فتحی آشتیانی، ع. (۱۳۸۸). *آزمون‌های روان‌شناختی*. تهران: بعثت.

طاهری، ف، ارجمندنی، ع. ا، و افروز، غ. ع. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر ارتباط والدین با کودک آهسته‌گام. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۹(۳)، ۱۱۱-۱۲۱.

فتحی آشتیانی، ع. و داستانی، م. (۱۳۹۲). *آزمون‌های روان‌شناختی ارزیابی شخصیت و سلامت روان*. تهران: بعثت.

معمدی، ف، غباری بناب، ب، و ابرغم، ز. (۱۳۹۵). بخشایشگری، رضایتمندی زناشویی و سلامت روان والدین کودکان کم‌توان ذهنی و عادی. *فصلنامه کودکان استثنایی*، ۱۶(۴)، ۳۸-۲۷.

نقدی، ن، قاسم‌زاده، س، و افروز، س. (۱۳۹۵). تأثیر استفاده از فعالیت‌ها و بازی‌های بدون ساختار پیش از ورود به کلاس درس بر توجه و سازگاری دانش آموزان آهسته‌گام. *توانمندسازی کودکان استثنایی*، ۷(۲)، ۱-۸.

نعمتی، ش، افروز، غ. ع، غباری بناب، ب، شکوهی یکتا، م، و به‌پژوه، ا. (۱۳۹۵). رابطه بین مؤلفه‌های بخشایشگری با رضایت زناشویی در مادران دارای کودکان نارسایی‌های رشدی و هوشی. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۷(۳)، ۱۰۳-۱۱۳.

Assad, K. K., Donnellan, M. B., & Conger, R. D. (2007). Optimism: An enduring resource for

- of America.
- Lickenbrock, D. M., Ekas, N. V., & Whitman, T. L. (2011). Feeling good, feeling bad: Influences of child perceptions and marital adjustment on well-being in mothers of children with an autism spectrum disorder. *Journal of Autism and Developmental Disorders, 40*, 1274–1284.
- Maltby, J., Day, L., McCutcheon, L. E., Gillett, R., Houran, J., & Ashe, D. D. (2014). Personality and coping: A context for examining celebrity worship and mental health. *British Journal of Psychology, 95*(4), 411–428.
- McCullough, M. E. (2010). Forgiveness as human strength: Theory, measurement, and links to well-being. *Journal of Social and Clinical Psychology, 19*(1), 43–55.
- McNulty, J. K., & Karney, B. R. (2004). Positive expectations in the early years of marriage: Should couples expect the best or brace for the worst? *Journal of Personality and Social Psychology, 86*(5), 729.
- Mellon, S., Northouse, L. L., & Weiss, L. K. (2016). A population-based study of the quality of life of cancer survivors and their family caregivers. *Cancer nursing, 29*(2), 120–131.
- Mlynarski, R., Mlynarska, A., & Golba, K. S. (2020). Factors that influence marital satisfaction in men with a heart rhythm disorders. *The Aging Male, 1*–7.
- Nemati, S., Mirnasab, M., & Ghobari Bonab, B. (2016). The relationship between dimensions of forgiveness with mental health in mothers of children with intellectual and developmental disabilities. *Journal of Education and Learning, 5*(4), 15–20.
- Neff, L. A., & Broady, E. F. (2011). Stress resilience in early marriage: can practice make perfect? *Journal of Personality and Social Psychology, 101*(5), 1050–1067.
- Olson, D. H. (1989). ENRICH marital inventory: A discriminant validity and cross-validity assessment. *Journal Marital and Family Therapy, 15*, 65–79.
- Scorgie, K., & Sobsey, D. (2010). Transformational outcomes associated with parenting children who have disabilities. *Mental Retardation, 38*, 195–206.
- Seligman, M. E., & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *The American Psychologist, 55*, 5–14.
- Toussaint, L., & Webb, J. R. (2015). Theoretical and empirical connections between and Bacon.
- Hartley, S. L., Barker, E. T., Seltzer, M. M., Greenberg, J. S., & Floyd, F. J. (2011). Marital satisfaction and parenting experiences of mothers and fathers of adolescents and adults with autism. *American Journal of Intellectual and Developmental Disabilities, 116*(1), 81–95.
- Hasson-Ohayon, I., Ben-Pazi, A., Silberg, T., Pijnenborg, G. H., & Goldzweig, G. (2019). The mediating role of parental satisfaction between marital satisfaction and perceived family burden among parents of children with psychiatric disorders. *Psychiatry Research, 271*, 105–110.
- Hastings, R. P., Beck, A., & Hill, C. (2005). Positive contributions made by children with an intellectual disability in the family: Mothers' and fathers' perceptions. *Journal of Intellectual Disabilities, 9*(2), 155–165.
- Helgeson, V. S., Reynolds, K. A., & Tomich, P. L. (2006). A meta analytic review of benefit finding and growth. *Journal of Counseling and Clinical Psychology, 74*, 797–816.
- Henry, N. J., Berg, C. A., Smith, T. W., & Florsheim, P. (2007). Positive and negative characteristics of marital interaction and their association with marital satisfaction in middle-aged and older couples. *Psychology and Aging, 22*(3), 428.
- Huber, C. H., Navarro, R. L., Womble, M. W., & Mumme, F. L. (2010). Family resilience and midlife marital satisfaction. *The Family Journal, 18*(2), 136–145.
- Garmezy, N. (2011) Resilience and vulnerability to adverse developmental outcomes associate with poverty. *American Behavioral Scientist, 34*, 416–430.
- Gefen, D., Straub, D.W., & Boudreau, M. C. (2000). Structural equation modeling and regression: Guidelines for research and practice. *Communications of the Association for Information Systems, 3*(1).
- Greef, A. P. (2000). Characteristics of families that function well. *Journal of Family Issue, 21*(8), 948–963.
- Gupta, R. K., & Kaur, H. (2010). Stress among parents of children with intellectual disability. *Asia Pacific Disability Rehabilitation Journal, 21*(2), 118–126.
- Kirk, S., Gallagher, G., & Coleman, M. R. (2015). *Educating Exceptional Children* (14th Ed). Cengage Learning, Printed in the United States

- well-being: A review of evidence for emotional versus decisional forgiveness, dispositional forgivingness, and reduced unforgiveness. *Journal of Behavioral Medicine*, 30(4), 291–302.
- Wu, Q., Chi, P., Lin, X., Du, H., Zhou, N., Cao, H., & Liang, Y. (2020). Gratitude and satisfaction in romantic relationships: Roles of decisional forgiveness and emotional forgiveness. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*, Retrieved from <https://doi.org/10.1007/s12144-020-00780-7>
- forgiveness, mental health, and well-being. In *Handbook of forgiveness* (pp. 349–362).
- Vollmann, M., Antoniw, K., Hartung, F. M. & Renner, B. (2011). Social support as mediator of the stress buffering effect of optimism: The importance of differentiating the recipients' and providers' perspective. *European Journal of Personality*, 25, 146-154.
- Williamson, H. C., & Lavner, J. A. (2020). Trajectories of marital satisfaction in diverse newlywed couples. *Social Psychological and Personality Science*, 11(5), 597-604.
- Worthington, E. L., Witvliet, C. V. O., Pietrini, P., & Miller, A. J. (2017). Forgiveness, health, and

The Role of Quality of Life, Adjustment, and Forgiveness in Predicting Marital Satisfaction among Mothers with Slow Paced Children

Mohammad Reza Jahan*
Akbar Mohamadi**
Majid Ghadami***

Abstract

The purpose of this study was to examine the role of quality of life, adjustment, and forgiveness in predicting marital satisfaction of mothers with slow paced children. The present study was descriptive-correlational. The statistical population of the study consisted of all mothers of girls and boys in Tehran whose children were enrolled in special schools in Tehran during the academic year 2018-2019, including 200 from two special schools for girls (110 individuals) and boys (90 individuals). The sample was selected using available sampling method. Enrich Marital Satisfaction Questionnaire (1989), the World Organization for Quality Scale (1998), Pollard, Anderson, Anderson, & Jennings Family Forgiveness Questionnaire (1998) and Bell Social Adjustment Questionnaire (1961) were used to collect data. Pearson's correlation coefficient and multivariate regression analysis were used to analyze the data. The results of the correlation test showed that there was a significant positive relationship between marital satisfaction and the components of forgiveness, quality of life and adjustment ($p < 0.01$). There is also a significant positive relationship between the components of forgiveness with quality of life and adjustment ($p < 0.01$). Only between forgiveness and marital satisfaction with health adjustment component, no significant relationship was found. The results of the regression analysis showed that adjustment and forgiveness played a positive significant role in predicting marital satisfaction of mothers with children with special needs. Together, these two variables predicted 27% of the variance in the marital satisfaction variable ($p < 0.01$). The results of the present study suggest that forgiveness and compromise may play an effective role in increasing marital satisfaction among women.

Keywords: Marital Satisfaction, Quality of Life, Adjustment, Forgiveness, Slow Paced Children.

* PhD Candidate in Educational Psychology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

** **Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran. **Email:** psychic2006@gmail.com

*** Associate Professor, Institute of Educational Studies, Tehran Province, Tehran, Iran.